

بژواک عشق

مهوش نوکل

www.ketab.ir

سرشناسه : توکل، مهوش، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور : پژواک عشق / تألیف مهوش توکل.

مشخصات نشر : تهران: آرنا، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۱۰ص؛ ۱۴×۵/۲۱؛ ۵/۱۴ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۴-۴۲-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : PIR ۸۳۳۷/ ۱۳۹۲ پ ۷۳ و

رده بندی دهکده : ۶۲/۳۱۸

شماره ثبت کتاب ملی : ۳۳۶۰۲۱۶



آرنا ناشر

عنوان : پژواک عشق

تألیف : مهوش توکل

ناشر : آرنا

طرح جلد : رامین

صفحه آرایي : الهه بذرافشان

چاپ : اول ۱۳۹۲

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه : قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۴-۴۲-۸

www.arnapub.com

فهرست:

فصل اول - رودخانه‌ی شب	۸
فصل دوم - مهمانی مادر بزرگ	۱۲
فصل سوم - صبح زرد	۲۹
فصل چهارم - این داستان سر دراز دارد	۳۴
فصل پنجم - مهمانی دایی	۳۸
فصل ششم - نامه به کامران	۴۸
فصل هفتم - ناله‌ی وین	۵۳
فصل هشتم - بیرون مادر بزرگ	۵۸
فصل نهم - دختران دهکده	۶۱
فصل دهم - من دوستش دارم	۶۳
فصل یازدهم - من با کامران حرف می‌زنم	۶۹
فصل دوازدهم - روشن شدن تکلیفم	۷۸
فصل سیزدهم - اسرار سر به مهر ما	۹۱
فصل چهاردهم - تصمیم بی سرانجام	۹۹
فصل پانزدهم - نامزدی بی سر و صدای من	۱۰۶
فصل شانزدهم - وقتی عشق دیر در می‌زند	۱۱۵
فصل هفدهم - آن روی سکه	۱۱۸
فصل هجدهم - ارثیه مادر بزرگ	۱۲۵
فصل نوزدهم - شوریدگی	۱۴۷
فصل بیستم - مرگ مادر بزرگ	۱۵۸
فصل بیست و یکم - تولد کاود	۱۶۱

فصل بیست و دوم - مرگ دلبندم کاود.....	۱۶۸
فصل بیست و سوم -- خبرهای عجیب یک ناشناس	۱۷۴
فصل بیست و چهارم -- تردید.....	۱۷۷
فصل بیست و پنجم - گرہ کور.....	۱۸۴
فصل بیست و ششم - جدایی.....	۲۰۲
فصل بیست و هفتم - قاتل مرموز.....	۲۰۵
فصل بیست و هشتم - بازی روزگاران	۲۱۸
فصل بیست و نهم - بهزیستی	۲۲۲
فصل سیام - بگذار عشق تصمیم بگیرد.....	۲۲۳

سپاس به درگاه ایزد متعال که یگانه ذات است و هستی بخش

زمانی که تقدیم حضور شما می‌گردد، شرح حال کوتاه‌بست از زندگی شخصی به نام لاله و کسانی که با او مرتبطند، در تدوین این نوشتار سعی بر آن بوده که تا حد امکان مطلب مهمی از قلم نیفتد، تحریر این رمان به علت وقفه‌های خواسته‌شده حدوداً سه سال به طول انجامید و ان شاء الله امیدوارم که توانایی آن را داشته باشم تا ادامه‌ی این رمان را که منطبق است با مقطع زمانی دیگری از زندگی لاله و اطرافیانش، در یک جلد دیگر در آینده به نمایش بگذارم.

امید است چنانچه در هنگام مطالعه‌ی کتاب حاضر به ضعف و یا کاستی برخوردید، بر من ببخشایید، اصلاح‌ها را به انتظار شنیدن پیشنهادات و انتقادهای سازنده‌ی شما جهت رفع نواقص و تکمیل خود هستیم، در خاتمه بر خود لازم می‌دانم از همدی کسانی که در به‌پایان‌رسانیدن و اصلاح اشکالات آن مرا یاری نمودند، تشکر و از خداوند منن به‌ترین را برای ایشان آرزو نمایم.

با تشکر:

مهرشاد کل

۱۳۹۲/۱/۲۰

فصل اول - رودخانه‌ی شب

عشق نیمه شب بود که با دلی سرشار از آرزومندی و شور جوانی روی تخت پنداری انگار بی‌خوابی به سرم زده بود، شاید هم از خواص عشق بود که تا آن شب روی اتاقم قدم زده و به او فکر کرده بودم، البته گاهی هم پرده‌ی توری پنجره را می‌و کنده کاری شده‌ی اتاقم را کنار زده و به حیاط بزرگ، خانه‌ی من و خوش منظر خانه‌ی نگاهی انداخته بودم. از زمان کودکی که مادرم با عشق و آغوش نرسیده‌ی من و شادمانی و با دقت مییافت و کنار گوشم شعرهای کودکانی را در علاقه‌ام را زمزمه می‌کرد. تا سن نوزده سالگی که تازه وارد دنیای بزرگ‌ها شده بودم، آخرین ایستگاه بسیاری از اسرار مگویم همان کنار پنجره بود. دنیای من رنگ دیگری به خود گرفته بود و قلبم با وزش هر نسیمی و جیک جیک و آهنگی که به تپش درمی‌آمد و آکنده از لطافت و محبت می‌گردید، افسانه‌های کهن را با چین پاورچین از خانه‌ی اجدادی پدرم، کوچ کرده و محو شده بود. در فضا یک راز نیلی، کنج آن پنجره‌ی چوبی خودش را پنهان کرده بود. حقیقت این بود که من مجذوب چشمهای رنگین کمانی حسام شده بودم و دلم به خواست از همانجا دستهایم را دراز کنم و آن نگاه زلال و روشن را از بلندای کاخ ستارگان نقره‌ای و درخشان در ژرفای تاریک اقیانوس شب بیرون بکشم و